

عروسی سگ‌ها و مهمانی گرگ‌ها در شهر گربه‌ها

سیده ربابه میرغیائی

عنوان کتاب: مهمانی گرگ‌ها
نویسنده: محمدرضا یوسفی
ناشر: پیک بهار
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۶
شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۸۴ صفحه
بها: ۸۰۰ تومان

عنوان کتاب: عروسی سگ‌ها
نویسنده: محمدرضا یوسفی
ناشر: پیک بهار
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۶
شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۷۲ صفحه
بها: ۷۰۰ تومان

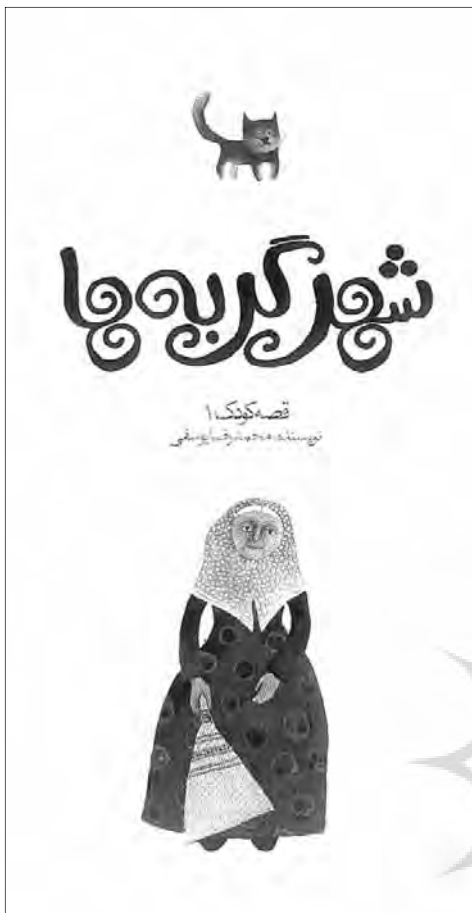
عنوان کتاب: شهر گربه‌ها
نویسنده: محمدرضا یوسفی
ناشر: پیک بهار
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۶
شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۷۲ صفحه
بها: ۷۰۰ تومان

«باید پرستاران و مادران را وادار کنیم که فقط حکایاتی را که پذیرفته‌ایم، برای کودکان نقل کنند و متوجه باشند پرورشی که روح اطفال به وسیله حکایات حاصل می‌کنند، به مراتب بیش از تربیتی است که جسم آن‌ها به وسیله ورزش پیدا می‌کند.» (افلاطون)

قصه از کجا شروع شد؟

بدیهی است که قصه‌ها و افسانه‌ها، همواره در رشد و کمال ذهنی و فرهنگی انسان‌ها مؤثر بوده‌اند. قصه‌ها و افسانه‌ها بازتاب زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم، شیوه کار و تولید آن‌ها و نشان‌دهنده رفتار، تفکر، احساس، مذهب، اخلاق و اعتقادات هر جامعه است. انسان برای گریز از ناکامی‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و محرومیت‌های گوناگون، آرزوهای خویش را با آرامش خیال در قالب افسانه‌ها و قصه‌ها و ترانه‌ها بیان کرده است. از ابتدای آفرینش تاکنون، قصه وجود داشته است و شاید نخستین قصه، قصه آدم و حوا و نخستین قصه‌گو، حضرت آدم باشد که ماجرای رانده شدن خویش از بهشت را برای فرزندان خود تعریف می‌کرد تا عبرت بگیرند و فریب نخورند. قصه زبان دیگری است برای سخن گفتن درباره اشیا و امور به صورتی متفاوت و تازگی این زبان، خوشایند طبع آدمی است و به اشتیاق وی برای آموختن دامن می‌زند.

برداشت‌ها و تلقی‌های ساده درباره نیازهایی مانند مرگ و زندگی، دنیا و آخرت، طبیعت و آرزوهای آرمانی انسانی که در همه اعصار از خواسته‌های اساسی انسان‌ها بوده‌اند (و هستند)، درون‌مایه اصلی قصه‌ها و افسانه‌ها است. در واقع،



افسانه‌ها پیچیده‌ترین نیازهای بشری را به شکلی ساده و قابل فهم بیان می‌کنند. علاوه بر این، مسائل شگفت و هیجان‌انگیز (ظهور عوامل متافیزیکی و عناصر غیرطبیعی و خوارق عادت) باعث می‌شود تا موضوع لذت نیز (علاوه بر نیاز به آگاهی و آموختن) مطرح باشد و انگیزه افراد برای یادگیری بیشتر شود. بنابراین، قصه‌ها و افسانه‌ها به شدت متأثر و مرتبط با واقع‌گرایی و خیال‌پروری هستند. «زمان و مکان قصه‌ها مبهم و وقایع و حوادث، کلی است و رابطه علی و معلولی در آن‌ها دیده نمی‌شود. شخصیت‌ها غیرپویا و ثابت‌اند، قهرمانان یا خوب‌اند یا بد، حد وسطی وجود ندارد.» به بیان دیگر، قصه‌ها روایتی ساده از زندگی روزمره مردم هستند که در آن‌ها قهرمان‌هایی با شخصیت ایستا (خوب یا بد)، درباره آرزوها و نیازهای خویش سخن می‌گویند و برای تحقق خواسته‌های فردی و جمعی تلاش می‌کنند. در جریان موفقیت‌ها و شکست‌های احتمالی در قصه، کودک با بسیاری از فضیلت‌های انسانی و ارزش‌های اخلاقی آشنا می‌شود؛ شجاعت، نوع‌دوستی، امیدواری، همکاری، مقاومت و غیره. آگاهی دادن به کودک درباره دنیایی که در آن زندگی می‌کند، پرورش عادت‌های مفید و ایجاد عزت‌نفس و حس استقلال‌طلبی و گسترش و تقویت خلاقیت در کودک، از مهم‌ترین هدف‌هایی است که در طرح قصه برای کودکان دنبال می‌شود. در هر قصه، ماجرای مطرح می‌گردد که نقاط مجهولی دارد و می‌تواند حس کنجکاوی بچه‌ها را برانگیزد و قدرت تخیل آن‌ها را پرورش دهد. پیوستگی منطقی در صحنه‌های قصه، باعث سرگرم کردن کودکان و نوجوانان می‌شود. آن‌ها «با بهره‌گیری از قدرت تخیل خویش، به راحتی می‌توانند خود را جایگزین یکی از شخصیت‌های قصه بکنند و با پی‌گیری ناکامی‌ها و پیروزی‌های او، به «تلطیف عواطف و احساسات» خود بپردازند و یا شادمانی و لذت را نصیب خویش سازند.» علاوه بر این، با خواندن قصه و بازگویی آن، نیروی بیان و تکلم کودک رشد می‌یابد و دایره‌ی لغات و اطلاعات وی افزایش پیدا می‌کند. هم‌چنین، می‌توان کودک را به وسیله قصه‌های مناسب با مشکلات و مسائل زندگی آشنا کرد و مهارت‌های اجتماعی گوناگون را به وی آموزش داد.

یکی بود، یکی نبود

«انتشارات پیک بهار»، به تازگی سه جلد کتاب، با موضوع قصه کودک، در حوزه داستان‌های

تخیلی (افسانه‌های جدید) را به بازار کتاب عرضه کرده است. سه قصه «شهر گربه‌ها»، «عروسی سگ‌ها» و «مهمانی گرگ‌ها» به قلم «محمد رضا یوسفی»، برای گروه سنی «۳-۷» منتشر شده است. محمد رضا یوسفی، نامی آشنا برای کودکان و علاقه‌مندان به ادبیات داستانی، در حوزه کودک و نوجوان است. وی متولد سال ۱۳۳۲ همدان است. تحصیلات متوسطه را در همدان گذراند و در رشته تاریخ، از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. یوسفی بیشتر از ۳۰ سال است که برای بچه‌ها و گروه‌های سنی مختلف کتاب می‌نویسد. او «نوشتن را از مادرش آموخت و قصه شنیدن را از نقالان قهوه‌خانه‌ها و مردم کوچه و بازار فرا گرفت.» وی تاکنون، چندجایزه کتاب کودک و نوجوان گرفته و نزدیک به ۱۵۰ عنوان کتاب، به رشته تحریر درآورده است. عناوین برخی از کتاب‌های منتشر شده محمد رضا یوسفی، عبارت هستند از: حسنی جان حسنی، بچه‌های خاک، ژنرال‌ها، باید به فکر فرشته بود، آتاسای، ماهی دُم‌طلا، پهلوانان، الاغی‌ها و....

در یادداستی که در پشت‌جلد کتاب چاپ شده نیز بر اهمیت قصه و قصه‌گویی تأکید شده و آمده است: «کودک با شنیدن قصه‌ای بر بستر واژه‌ها، به مشاهده جهانی دیگر می‌نشیند؛ با فضاسازی و ساخت و پرداخت قصه‌گو، آن روزگار و زندگی و سرنوشت و اندیشه آدمیان آن زمان را در کلام تجربه می‌کند؛ تخیلش گسترش می‌یابد؛ به زمین و خانه و مدرسه باز می‌گردد. سپس، آن تخیل به او بال‌هایی ارزانی می‌دارد تا فرضیه‌ای بسازد برای گسترش خیال خویش و بازسازی دوباره هستی، آن‌گونه که احساس می‌کند و می‌اندیشد. پس به دنیای ذهنی او باید با عطف و مهربانی پا گذاشت. چون همه جاپاهایی که در یاد او می‌مانند؛ فردای زندگی‌اش را رقم می‌زنند.»

«یوسفی» در این سه قصه، با آگاهی از علاقه‌مندی کودکان نسبت به قصه‌هایی که در آن درباره افراد و حیوانات و اشیای پیرامون آن‌ها سخن گفته می‌شود، شخصیت‌های انسانی و حیوانی را خلق کرده است تا با قرار دادن آن‌ها در معرض

حوادث واقعی و خیالی و تصادفی، کودک را با قصه همراه کند و از این رهگذر، مفاهیم مورد نظر را به ایشان انتقال دهد تا شرایط لازم برای گسترش خلاقیت در ذهن کودک و شکوفایی آن فراهم گردد.

در ابتدای هر سه کتاب، مقدمه‌ای کوتاه آمده است که در آن برای بزرگ‌ترها، مربیان و مادران توضیح داده می‌شود که؛ «این کتاب به‌شکلی نوشته شد تا برای خواندن کودکان و نوجوانان مناسب باشد، و همین‌طور بزرگ‌ترها هم بتوانند آن را به شکل قصه‌خوانی، برای خردسالان و کودکان بخوانند. چون بیشتر جمله‌ها آهنگین هستند، بهتر است بزرگ‌ترها یک‌بار کتاب را از قبل بخوانند و با ضرباهنگ جمله‌ها آشنا شوند، سپس آن را برای خردسالان و کودکان به‌راحتی بخوانند.»

همه قصه‌های چاپ شده، قابلیت عرضه شدن به صورت قصه‌گویی را ندارند؛ «زیرا زبان کتاب، زبان کتابت و نوشتاری است و زبان قصه‌گویی باید زبان محاوره‌ای و حتی محلی باشد.» یوسفی تلاش کرده است تا با نثری آهنگین و استفاده از کلمات و اصطلاحات زبان معمول و رایج، داستان‌هایی خوب و مناسب برای قصه‌گویی بنویسد.

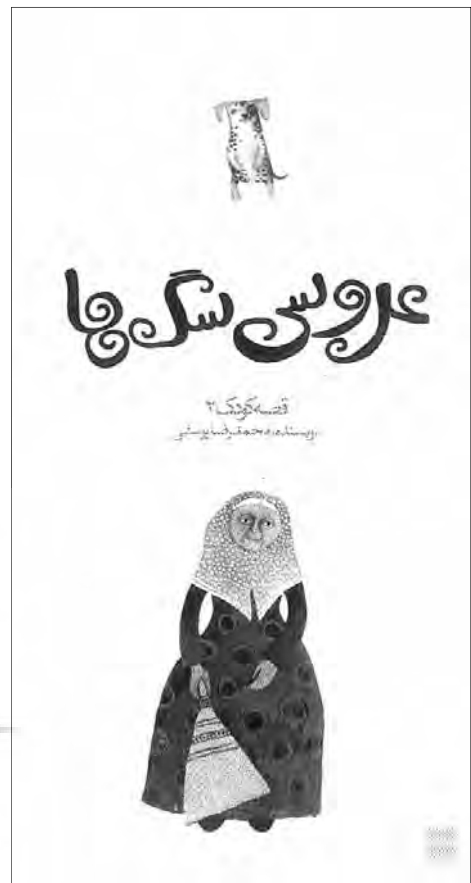
«شهر گربه‌ها» که قصه اول از این سه‌گانه است علاوه بر داستان مستقل، به معرفی شخصیت‌هایی می‌پردازد که قهرمان‌های قصه «یوسفی» در دو کتاب «عروسی سگ‌ها» و «مهمانی گرگ‌ها» نیز هستند.

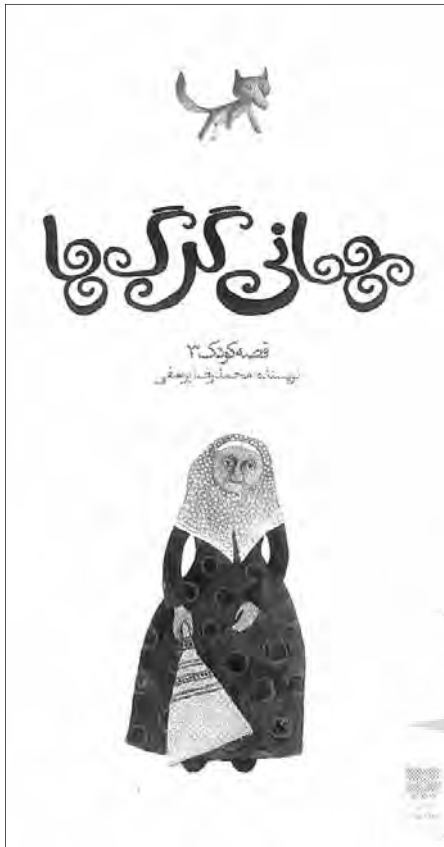
قصه «شهر گربه‌ها» با معرفی «ننه‌بالا» آغاز می‌شود که در یک روز قشنگ، نزدیک ظهر، هوای آفتابی، با جاروی بلندش، خش‌وخش‌وخش برگ‌ها و علف‌های توی کوچه را جارو می‌کند. در ادامه، گپ و گفت «قصه‌گو» با «ننه‌بالا» گرم می‌شود و درباره شغل ننه‌بالا (جاروکشی) و انگیزه او از این کار (جارو زدن کوچه‌ها برای آمدن عمو نوروز) و غم و غصه‌های ننه‌بالا صحبت می‌شود. شخصیت دیگری که در حین این گفت‌وگو معرفی می‌گردد «اکبرو» است؛ «اکبرو، اکبرآقا، نوه کله فرفری و دماغ باریک و قد کوتاه و چشم سیاه ننه‌بالا» است که مادرش مُرده و پدرش به سفر رفته و او با ننه‌بالا زندگی می‌کند.

ننه‌بالا برای قصه‌گو تعریف می‌کند که یک عمر است کوچه‌ها و محله را برای آمدن عمو نوروز جارو می‌زند، ولی، هنوز مُرد خویش را نگرفته است. ننه‌بالا در حال شکوه و شکایت، یک سکه طلا پیدا می‌کند و به تصور این که عمو نوروز سکه را (بابت دستمزد جاروکشی) برای وی گذاشته است، آن را بر می‌دارد و به بازار می‌رود تا چیزی بخرد که خوب باشد، ارزان باشد، عالی باشد، خودش خوشش بیاید، اکبرو خوشش بیاید، عمو نوروز هم خوشش بیاید. ننه‌بالا در مغازه‌های مختلف در بازار (بقالی، عطاری، خشکبارفروشی، میوه‌فروشی و...) سر می‌زند و سرانجام، از حاج غلام برنجکی، برنج می‌گیرد و به خانه برمی‌گردد تا برای اکبرو شیربرنج درست کند. در ادامه داستان، بغوغو (کبوتر سفید)، جیک‌جیکو (جوجه زرد)، پیف‌پیفو (موش خاکستری و سفید)، قورقورو (قورباغه تازه بچه‌دار شده)، لیزلیزو (ماهی قرمز و سیاه و سفید)، گربه‌طلا و گربه زغالی و... نیز به خواننده معرفی می‌شوند.

قصه دوم (عروسی سگ‌ها)، همزمان با ورود تعدادی گربه زار و پریشان، خسته و نالان به حیاط خانه ننه‌بالا آغاز می‌شود. موضوع از چه قرار است؟ گویا «به شهر گربه‌ها، سگ‌ها آمده!» ماجرای این کتاب درباره سگ‌هایی است که وارد شهر شده‌اند و پنج‌تا گربه می‌خواهند در عروسی یکی از سگ‌ها برقصند. گربه‌ها در عروسی سگ‌ها شرکت می‌کنند تا از این طریق، تاریخ سگ و گربه‌ها تغییر کند. اما در عروسی، یک دفعه عروس و داماد دیوانه می‌شوند و می‌پرند به گربه‌ها و دُم گربه‌ها را جدا می‌کنند و باقی قصه.

در قصه سوم (مهمانی گرگ‌ها)، یک گرگ به همراه بچه‌هایش به قلعه کهنه می‌آیند و با آواره کردن سگ‌ها، آن‌جا را تصاحب می‌کنند. حضور گرگ باعث می‌شود تا در میان حیوانات و اهالی روستا آشوب و نگرانی به وجود آید، اما، ننه‌بالا می‌کوشد مشکل را با خون‌سردی و تفکر برطرف کند و راه حلی برای آشتی با گرگ‌ها بیابد و صلح و آرامش را برقرار کند و....





در این جا خوب است اشاره شود که سادگی طرح، منطق درست و روایت‌های شفاف، کلید اصلی برقراری ارتباط کودک با قصه‌ها و افسانه‌هاست. باید وضوح و منطق کافی بین تمام عناصر و ماجراهای مختلف داستان وجود داشته باشد؛ زیرا در نظر نگرفتن موضوع پُراهمیتی در قصه، باعث اغتشاش ذهنی در مخاطب می‌شود. آشفتگی ذهنی تأثیر نامطلوب و ماندگاری بر ذهن کودک می‌گذارد؛ به طوری که محتوای بارز اثر نیز نادیده گرفته می‌شود.

برای نمونه، در قصه «شهر گربه‌ها» یک ماجرای فرعی طرح می‌شود درباره گربه زغالی که قصد دارد گربه‌طلا را پیدا کند. گربه‌زغالی جست‌وجوی خویش را آغاز می‌کند و عاقبت، به چاه‌کن می‌رسد و برای ننه‌بالا خبر می‌آورد که اگر او (ننه‌بالا) با چاه‌کن ملاقات کند (پس از طی کردن پروسه‌ای که تعریف می‌شود)، گربه‌طلا پیدا خواهد شد. اما این ماجرا ناتمام باقی می‌ماند و نویسنده در ادامه قصه، بی‌هیچ توضیح و یا اشاره‌ای، این راه‌حل را نادیده می‌گیرد.

یا این‌که، حیوانات مختلف سخن گو در قصه حضور دارند که هم‌چون انسان حرف می‌زنند، فکر می‌کنند، غذا می‌خورند و... با این حال، نویسنده در قصه «مهمانی گرگ‌ها»، درباره شگفت‌زدگی ننه‌بالا می‌نویسد؛ وقتی اکبرو به او می‌گوید که گربه‌طلا خواب دیده است و این موضوع با توجه به قصه و ماجراهایی که تاکنون اتفاق افتاده، منطقی به نظر نمی‌رسد: «چشم‌های ننه بالا به اندازه دوتا نعلبکی شد و گفت: پیش‌پیشو خواب دیده؟ مگر گربه‌ها خواب می‌بینند؟» (ص ۸)

هم‌چنین، با وجود تلاش نویسنده برای سادگی و روایی نثر، گاهی اشتباه تاییبی، کلمه‌های بدون معنای مشخص و یا جمله‌بندی غریب نیز در متن وجود دارد که ممکن است باعث اشکال در درک و خوانش کودک گردد.

برای نمونه، به موارد زیر از قصه «شهر گربه‌ها» اشاره می‌شود:

- «خجالت‌م ننه‌جان، جاروکش کوچه محله‌ها بیشتر از این‌ها پول ندارد به خدا، دارد؟» (ص

۱۷)

- «نذر و نیاز داشت که هر زود آرام و نرم سر و ته کوچه را جارو بزند.» (ص ۵)

- «کو مزد دستت درد نکنه و خسته نباشی؟» (ص ۷)

- «عمو نوروز گله نکن!» (ص ۸)

- «ننه‌بالا گریان شده، در چیرجیر سرگردان شده، پنجره مات و پریشان شده، آینه غمگین و حیران شده؟» (ص

۱۵)

- «برو تو انباری و دم‌بریده و آویزان گربه‌طلا را ببین که از بند آویزان است.» (ص ۱۶)

قصه ما به سر رسید

گفته شد که قصه‌ها و افسانه‌ها، همواره در رشد و کمال ذهنی و فرهنگی انسان‌ها مؤثر بوده‌اند. با وجود این، بهتر است این نکته در نظر گرفته شود که قصه‌ها همواره تأثیری غیرمستقیم بر کودک داشته‌اند و در طولانی‌مدت است که به وی اجازه می‌دهند تا آموخته‌های خویش را سازمان‌دهی و از آن‌ها استفاده کند. برای نمونه، «یکی از هدف‌های قصه می‌تواند آموزش کلمات و عبارات تازه باشد. هر قصه‌ای با هر پیامی، می‌تواند حامل چنین نتیجه‌ای هم باشد.» جدا از مسائل انسانی و پیام‌های اخلاقی مطرح شده در این سه قصه، محمدرضا یوسفی به خوبی از اصلاحات و ضرب‌المثل‌های فارسی و کلمه‌های عامیانه، در نگارش داستان‌های خویش استفاده کرده است که این ویژگی می‌تواند در غنی‌سازی گنجینه لغات کودک مؤثر باشد و نوعی آموزش غیررسمی محسوب گردد.

منبع:

۱. دنیای قصه‌گویی، نوشته آن پلووسکی، ترجمه محمدابراهیم اقلیدی، تهران، انتشارات سروش، چاپ دوم ۱۳۶۹

۲. قصه‌گویی؛ اهمیت و راه و رسم آن، نوشته مصطفی رحماندوست، تهران، انتشارات رشد، چاپ سوم ۱۳۷۷